



سفیان ثوری

ابو عبدالله سفیان (سفیان ثوری کوفی) محدث برجسته اهل سنت و صوفی مشهور.

فهرست مندرجات

- [۱ - زندگی نامه سفیان ثوری](#)
- [۲ - دیدگاه اهل تسنن در باره وی](#)
- [۳ - معاصر بودن با امام صادق و کاظم](#)
- [۴ - آثار علمی](#)
- [۵ - پانویس](#)
- [۶ - منابع](#)

زندگی نامه سفیان ثوری

پدرش [سعید بن مسروق ثوری کوفی](#) است و نسب او با چهارده واسطه به "[ثور بن عبد مناف](#)" می‌رسد و به همین جهت هم او را ثوری گویند. تاریخ تولد او را بین سالهای ۹۵ تا ۹۷ هجری قمری گفته‌اند و در سال ۱۴۴ ق به مکه و مدینه رفت و آنجا ساکن شد.

دیدگاه اهل تسنن در باره وی

اهل تسنن او را [عالم و زاهد](#) و با ورع زیاد می‌دانند و [کرامت](#) زیادی از او نقل کرده و زیاد منحنش می‌کنند و او را می‌ستایند و می‌گویند در [علم حدیث](#) و علوم دیگر تبحر داشت. او از [ابی اسحاق سیبی](#) و [سلیمان اعمش](#) حدیث شنید و عده‌ای از محدثان و عالمان بزرگ اهل سنت مانند "[اوزاعی](#)" و [ابن جریر](#) و مالک شاکرندش بودند و از او حدیث گفته‌اند. البته اهل سنت به فریبکاری او نیز، اعتراف می‌کنند. ولی علمای شیعه، روایت زیادی در منمت او گفته و او را از مسیر اهل بیت و ائمه اطهار، سلام الله علیهم اجمعین، منحرف می‌دانند.

معاصر بودن با امام صادق و کاظم

سفیان در زمان [امام ششم شیعیان \(جعفر صادق\)](#) و امام هفتم ([موسی بن جعفر](#))، زندگی می‌کرد و بارها مشغول مجادله با آن بزرگواران می‌شد. در کافی نقل شده که «ثوری خدمت حضرت صادق (ع) رسید در حالی که آن حضرت سوار شده بود و عزم رفتن جایی را داشت. سفیان گفت: آن خطبه‌ای را که رسول خدا در مسجد خیف فرمودند برای من حدیث کن. حضرت فرمود به من مهلت بده تا پی کار و حاجت خود بروم و برگردم و برای تو بگویم. سفیان قبول نکرد و اصرار کرد و حضرت را قسم داد. حضرت پیاده شدند قلم و دواتی آوردند و حضرت فرمود بنویس. سفیان خطبه را نوشت و از محضر امام صادق دور شد. در بین راه مطالعه کرد حدیث را، و چون به جمله «و النبیحة لائمة المسلمین» رسید، تفکری کرد و فهمید که مراد، امیرالمؤمنین علی (ع) است. همان موقع کاغذ را پاره کرد و به رفیق همراهش گفت: که این حدیث را پنهان کن و با کسی حرفی نزن.»

[\[۱\] کلینی محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۰۳.](#)

[شیخ صدوق](#) هم روایتی از [محمد بن ابی عمیر](#) کرده که گفت: سفیان [حضرت موسی بن جعفر \(ع\)](#) را دید که مشغول نماز بوده و مردم از مقابل، رفت و آمد می‌کردند. سفیان به حضرت اعتراض کرد که مردم در حال طواف، از مقابل تو رد می‌شوند. امام فرمود: آن کسی را که من برایش نماز می‌گذارم از این افراد به من نزدیک تر است. او که در زمان مهدی خلیفه عباسی، زندگی می‌کرد بارها با او و دولتمردانش مجادله می‌کرد و سرانجام یک روز گفتگوی تنندی با مهدی عباسی کرد و به مصرف بی رویه بیت المال اعتراض کرد که مورد خشم او واقع شد لذا مجبور شد که از آنجا فرار کند و به بصره رفت و مدت کوتاهی به طور ناشنلس آنجا ماند تا اینکه در سال ۱۶۱ هـ ق، وفات کرد. از او هیچ نسلی باقی نمانده است.

آثار علمی

- ۱- الجامع الصغیر
- ۲- الجامع الکبیر و الفرائض

۱. [↑ کلینی محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۰۳.](#)

منابع

احمد سنجرى- ترجمه و فیات الاعیان (منظر الانسان ج ۲)
شیخ عباس قمی- تنمہ المنتہی- صفحہ ۲۶۲
دائرة المعارف تشیع- ج ۹

رده‌های این صفحه: [درگذشتگان سال 161 \(قمری\)](#)